

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

۷ پلاسکو از آغاز تا پایان

مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



هزینه‌های استهلاک و بی‌توجهی به آن در پلاسکو

غلامرضا صدیق اورعی

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

در تهران در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۵ ساختمانی تجاری، مرتفع و مشهور یعنی ساختمان تجاری پلاسکو، بر اثر آتش‌سوزی و پیامدهای آن فرو ریخت و مدتی مسئله اول افکار عمومی تهران و ایران شد. این موضوع از ابعاد گوناگون مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و اهل نظر، مطالب گوناگونی درباره آن گفتند و نوشتند و رسانه‌ها از زوایایی متعدد و از منظرهای متفاوت به آن پرداختند و عامه مردم نیز در رسانه‌های امروزی که در دسترس همگان است - اصطلاحاً فضای مجازی - نسبت به آن عکس‌العمل‌های گوناگونی نشان دادند، برخی معترض بودند که چرا سازمان‌های عمومی و دولتی، پیش‌گیری نکرده‌اند؟ در این باره من از منظرهای متفاوت بحث می‌کنم.

در این حادثه که دردناک بود خصوصاً تلفات انسانی آن، اشخاصی

موضوع گرفتند، سازمان‌های عمومی و دولتی کشور فقط هشدار دادند که این ساختمان ناامن است ولی ساختمان ناامن را پلمپ نکرده و مغازه‌ها را تعطیل نکردند، ساختمان تخلیه نشده است. وقتی از این منظر به این موضوع نگاه می‌کنیم، مسئله مالکیت افراد، بهره‌مندی آنان از مالکیت و ملک خودشان، و نیز درآمد مستمر و تأمین اقتصادی خود و خانواده‌شان و شغل افراد مشغول به کار اعم از مالک و مستاجر و کارفرما و کارگر مطرح است و این که اگر یک مجموعه با ۵۵۰ واحد تجاری را به خاطر ناامن بودن فضای ساختمانی تعطیل کنید مردم چه واکنشی خواهند داشت؟ و اگر اظهار نظر و گفته یکی از مسئولان شهر تهران را به آن اضافه کنید که «در خیابان جمهوری اسلامی تهران ۴۰ درصد ساختمان‌ها، وضع ناامن و خطرناکی دارند» و بنا را بر تعطیلی ساختمان‌های تجاری ناامن بگذارید، آن‌گاه باید ۴۰ درصد واحدهای تجاری این خیابان تجاری تهران، تعطیل شوند. آیا این اقدام، برای قوه قضاییه و شهرداری ممکن است؟ آیا جامعه ایران در عادات اجتماعی - تاریخی خود، پذیرای این گونه اعمال قدرت توسط حکومت هست؟ و البته برای اکثریت مردم روشن است که مردم پذیرای آن نیستند و به این آسانی نمی‌شود شاغلین را از کارشان، صاحبان املاک را از درآمد ملک‌شان و ... محروم کرد.

اما چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟ تحلیل پیدایش چنین وضعی در جامعه ما چیست؟ چرا مردم ما خودشان پیشاپیش، ساختمان‌های‌شان را امن نمی‌کنند؟ چرا بنگاه‌های اقتصادی - یک واحد تجاری، یک بنگاه‌های اقتصادی است که در این مورد، به صورت یک ساختمان تجاری خودنمایی کرده است - برای تضمین استمرار کار و آینده‌شان حساسیت لازم را به خرج نمی‌دهند؟

برای توضیح بیشتر، نکته‌ای را به زبان علم اقتصاد بازگو می‌کنم: یک واحد اقتصادی - مثلاً وقتی که یک تاکسی - را در نظر می‌گیریم



که یک بنگاه کوچک مسافربری است یا یک اتوبوس مسافربری بین شهری، که راننده آن مالک آن هم هست؛ یا وقتی که یک کارگاه خیاطی که صاحبش در آنجا حضور دارد و کار می کند؛ و موارد فراوانی از این دست، تا برسیم به بنگاه های متوسط و بزرگ مانند کارخانه بزرگ ارج که سال گذشته تعطیل شد و کارخانجات متعدد نساجی که در دهه قبل تعطیل شدند. (با این مثال ها می خواهیم بگویم، این بحث الزاماً به بنگاه های کوچک مربوط نیست، بلکه بنگاه های بزرگ را هم می توان در کنار آن مطرح کرد.) یک بنگاه اقتصادی، روزانه و ماهانه و سالانه مقداری درآمد دارد و البته از هزینه هایی هم برخوردار است. هزینه های آن چند دسته هستند. اول هزینه های جاری. مثلاً هزینه های جاری و روزانه یک تاکسی، بنزین یا گاز است و هزینه های جاری ماهانه آن مشتمل بر مواردی چون تعویض روغن می شود و هزینه های جاری فصلی اش نیز مواردی چون خرید لاستیک را در بر می گیرد.

در کنار هزینه های جاری، هزینه های استهلاک جاری هم مطرح است؛ این تاکسی یا آن کارخانه در دوره ای از فعالیت، بعضی اجزایش خراب یا مستهلک می شوند و باید آن را تعمیر یا تعویض کرد. بسیاری از کارخانه ها، در تقویم سالانه خود چندین بار برنامه تعمیرات دستگاه ها را گنجانیده اند و انجام می دهند. پس نکته دوم در هزینه ها، استهلاک جاری است و نکته سوم و مورد توجه در این جستار، هزینه های یک بنگاه اقتصادی تحت عنوان «استهلاک فنی» است.

به عبارت ساده و در همان مثال تاکسی، سال ها تاکسی های جدید تهران، ماشین پیکان بودند، ولی مدتی بعد که ماشین های قبلی کهنه هم شده بودند، ماشین رنو ۲۱ و بعد پژو، سمند و به تازگی تویوتا تاکسی شد. و کم کم اجازه نمی دهند، ماشین پیکان و یا ماشین کهنه، تاکسی محسوب شود. این امر برای کسانی که در آژانس های تاکسی تلفنی کار می کنند نیز صادق است. یعنی یک بنگاه اقتصادی - هر چند



در کوچکی یک تاکسی که در تهران کار می‌کند - باید به عمرتاریخی - اقتصادی خود بیندیشد و به تحولات تکنولوژیکی و انتظارات مردم توجه‌کند. وقتی ماشین‌هایی با فن‌آوری جدید می‌آیند، راننده یک تاکسی قدیمی‌تر، هرچند ماشین او کاملاً سالم باشد، اما مشتری‌ها دیگر نمی‌پسندد. این مثال را برای واحدهای دوزندگی مردانه در سطح شهر هم می‌شود، مطرح کرد. در گذشته، خیاط‌ها چرخ خیاطی هفت و پیراهن‌دوزان چرخ خیاطی هشت داشتند، اما تحولات بعدی باعث شد که اگر خیاطی فقط همان چرخ خیاطی هفت را داشته باشد، مشتری‌ها کم‌کم او را ترک‌کنند. پس یک بنگاه اقتصادی، باید در کنار هزینه‌های جاری و استهلاک عادی، به هزینه‌های استهلاک تکنولوژیکی و فنی توجه کند و در محاسبه هزینه، درآمد و سود؛ سهمی برای استهلاک فنی کنار گذاشته و در یک دوره چندساله، دائماً دستگاه خود را نوسازی کند. اگر کارخانه ارج به این نکته توجه داشت و به آن عمل می‌کرد؛ طبیعتاً امروز هم یک کارخانه به روز و فعال بود. نه این‌که ماشین‌آلات او را به عنوان آهن‌قراضه به فروش برسانند و کارگزارانش بی‌کار شدند. حالا وقتی که بنگاه اقتصادی به صورت یک مغازه در یک ساختمان تجاری بزرگ‌تر قرار دارد و ۵۵۰ بنگاه اقتصادی تجاری در یک جا در یک ساختمان متمرکز است ولی همه آنها بی‌اطلاع بوده و بی‌توجه به استهلاک فنی هستند، و یا مالکی که مدتی است خودش مغازه را رها کرده و اجاره داده ولی او هم به استهلاک و هزینه‌های آن بی‌توجه است، در واقع به آینده اقتصادی‌اش توجهی ندارد. وی اگر به فکر تداوم این درآمد برای خود بود، باید به ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی و بلکه نوسازی این محل تجاری می‌اندیشید و از ۵۰ سال قبل تاکنون با فواصلی به مقاوم‌سازی و به‌سازی می‌پرداخت، وقتی که شیوه‌های تازه‌ای از سیستم‌های تأسیساتی (آب و برق و گاز و...) به بازار می‌آمد، با برنامه‌ریزی و هزینه‌های معین، تماماً یا قسمت به قسمت، مشغول



کار می شدند و اگر هم استقامت آهن ها و بتن ها دچار مشکل بود، برای آن هم به شیوه ای عمل می کردند تا بنگاه اقتصادی تداوم داشته باشد. اکنون بقیه ساختمان های مشابه نیز در همین وضع هستند. کارگاه های تراش کاری، درو پنجره سازی، نجاری و همچنین بسیاری از واحدهای خدماتی در چنین وضعی هستند. یک مغازه خواربار فروشی و مواد غذایی جزیبی هم، اگر چند سال یکبار قفسه ها و یخچال ها و ... را ارتقا ندهد، در همین وضع قرار دارد.

پس یکی از اشکالات در رفتار اقتصادی واحدهای اقتصادی جامعه ما، عدم توجه به استهلاك فنی و کنار نگذاشتن بخشی از درآمد برای استهلاك فنی و فن آورانه است. لذا وقتی هزینه را کم برآورد می کنیم، عدم بهره وری خود را هم نمی بینیم، لذا اگر در هزینه ها، هزینه های جاری استهلاك جاری و استهلاك فنی خود را حساب کنیم، به فکر بهره وری می افتیم. اما وقتی یک صاحب تاکسی، از هر چه پول از مردم گرفته است فقط پول بنزین را کم می کند - زیرا ناچار است - و بقیه را به عنوان درآمد خود، خرج می کند، برای ماندگاری بنگاه تولیدی اش برنامه ندارد و منقرض می شود. در ساختمان پلاسکو و ساختمان های تجاری قدیمی خیابان جمهوری اسلامی در تهران، بی توجهی به هزینه های استهلاك و به روزرسانی، مشهود است. این یک مشکل در فهم اقتصادی ما و فعالان اقتصادی ماست. این امر را باید آموزش داد. این درک را باید همگانی و به باوری عمومی تبدیل کرد و در محاسبه مأموران مالیات گنجانده.

آری، موقت اندیشیدن، به پایداری اقتصادی نیاندیشیدن، فردگرایانه تحلیل کردن و ارزش گذاری کردن کارها و ... موجب شده است که بنگاه های اقتصادی، با فوت موسس شان، فوت کنند. اگر یک نجاری در محله ای کارآیی دارد و درست جایابی شده است، باید تا بقیه مولفه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبتاً برقرار شود تا این



بنگاه اقتصادی هم پایدار باشد، هرچند نسل‌های متمادی بیایند و بروند. به موقوفات نگاه کنید، برخی موقوفات بزرگ که واقف مدبری داشته‌اند، هزینه‌های تعمیر و نگهداری و ارتقا را در نظر گرفته‌اند و حتی احتمالات تبدیل به احسن آن را مشخص کرده‌اند. این موقوفات پس از چند سده همچنان فعال هستند، اما هزاران منزل وقف اولاد، بدون پیش‌بینی مکانیزم تعمیر و نگهداری و به‌سازی و نوسازی حضور دارند که پس از صدسال در وضعیت غیرقابل استفاده‌ای قرار می‌گیرند. این هم نمونه‌ای دیگر از مشکل یادشده است. امید است به خودآیینیم و برای پایداری بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط‌مان به فکر بیفتیم. بیمه نبودن بسیاری از مغازه‌ها در پلاسکو در کنار تأثیرپذیری از مشکلات بیمه در ایران، جلوه‌ای از بی‌توجهی به هزینه‌های پایداری بنگاه تولیدی است.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی